

## «دژاگه» مهره گمشده کرش در تیم ملی

بحرینی‌های خشمگین از هیچ شیطنتی برای برهم زدن بازی برگشت رویگردان نیستند...



بحرینی‌های خشمگین از هیچ شیطنتی برای برهم زدن بازی برگشت رویگردان نیستند  
&#171#دژاگه» مهره گمشده کرش در تیم ملی

جام جم آنلاین: بازگشت کارلوس کرش از اروپا و دیدار او با دکتر عباسی، وزیر ورزش و جوانان و قول‌های مساعدی که در جهت حمایت از تیم ملی فوتبال به مربی پرتغالی ایران داده شد این امید تازه را در دل فوتبالدوستان و هواداران تیم ملی زنده کرد که بار دیگر به همت کارلوس کرش و مردان بی‌تاب و پرانگیزه‌ای که در اختیار دارد، راه ورود فوتبال ایران به جام جهانی باز شود. کرش در حضور کفاشیان و تاج، رئیس و نایب‌رئیس فدراسیون فوتبال از زبان مرد اول ورزش ایران شنید: &#171#دژاگه» باید با بهره‌گیری از تمامی امکانات، مسیر پیشرفت فوتبال را هموار کنیم.»

سرمربی تیم ملی فوتبال ایران، همچنین به این باور رسید که وزیر ورزش ایران عملکرد او را در زمان کوتاهی که رهبری فوتبال ملی ایران را پذیرفته مثبت و خوب تشخیص داده و حاضر به حمایت از اوست تا با دلگرمی کافی به کار خود ادامه دهد. در این نشست بود که کارلوس کرش ضرورت سفر تیم ملی را با هواپیمای چارتر به منامه و جاکارتا و انجام 2 بازی در فاصله زمانی کوتاه مطرح کرد که به یقین از سوی وزیر ورزش تاییدشدنی است.

کرش که بیش از همه به مسوولیت خویش واقف است خیلی خوب می‌داند که انگیزه شاگردانش برای حضور در جام جهانی 2014 برزیل تنها برگ برنده و عامل صعود تیم ایران نیست و در مقابل حریفانی چون استرالیا، ژاپن، کره جنوبی، کره شمالی و حتی چین فقط با انگیزه و عرق‌ملی آن هم در زمان کوتاهی که برای آماده‌سازی کامل تیمش در اختیار دارد و با کمبود دیدارهای دوستانه مناسب، نمی‌تواند با قاطعیت از پیروزی تیم ملی و عبور از این آزمون سنگین سخن بگوید. نگرانی او را می‌شود در سفری که اخیرا به اروپا داشت تا با چند بازیکن ایرانی مقیم در قاره سبز گفت‌وگو کند، کاملا حس کرد. او حتی به پیروزی‌های پرگل تیم ملی مقابل تیم‌های فلسطین (دوستانه) و بحرین (در راه جام جهانی برزیل 2014) قانع نشده و بخوبی می‌داند شاگردانش به رغم بازی هجومی و حملات فراوان به سبب کمبود یک مهاجم تمام‌کننده و یک بازیکن شوتزن، بسیاری از فرصت‌ها را به آسانی از دست می‌دهد.

### در حسرت مهاجمان گلزن

فوتبال ما سال‌هاست حسرت مهاجمانی چون بهزادی، مظلومی (غلامحسین)، کلانی، پیوس و دایی را می‌خورد که در نوك حمله از قدرت، سرعت، هوش و دقت در شوتزنی و سرزنی برخوردار بودند و با این توانایی‌ها گره از کار مربیان خود می‌گشودند. هنوز زمزمه رایکوف در گوشمان است که چگونه از غلامحسین مظلومی به عنوان یک مهاجم استثنایی یاد می‌کرد و او را با بهترین بازیکنان خط حمله فوتبال اروپا قابل قیاس می‌دانست و می‌گفت اگر او را صاحب می‌شد می‌توانست با او میلیارد رد شود. از یادمان نرفته است که برانکو، حتی در زمانی که خیلی‌ها عمر بازی علی دایی را در تیم ملی تمام شده می‌دانستند، خیلی از انتقادها را به جان خرید زیرا می‌دانست او در خط حمله، حداقل در آسیا بلندپرواز است و شم گلزنی بسیار دارد. لازم نبود که برانکو به سابقه گلزنی او در جام باشگاه‌های اروپا با پیراهن باین مونیخ توجه داشته باشد یا گل‌هایی را که به بهترین دروازه‌بانان جهان زده است به یاد بیاورد. برانکو و تیم ملی ایران با همین اصرار و با حمایت از دایی بود که در جام ملت‌های آسیا و انتخابی جام جهانی آلمان 2006 درخشید، اگر چه ظهوری موفق مثل جام جهانی فرانسه 1998 نداشت.

و حالا هم کارلوس کرش بخوبی پی‌برده است جای چنین مهاجمانی در تیم ملی خالی است و او زمانی که فرهاد مجیدی را از دست داد بیشتر احساس کرد که دستش از بابت یک مهاجم پرانگیزه، باهوش و متعصب که چارچوب دروازه را خوب بشناسد و فرصت طلب باشد، خالی مانده است.

انتخاب &#171#اشکان دژاگه» که بازیکنی است شوتزن، سریع، پرتحرک و گفت‌وگو با او شاید این گمان را برای کرش به وجود آورده باشد که او می‌تواند همان گمگشته‌ای باشد که جانشین مهاجمانی چون دایی، پیوس و... شود و در مقابل قدرت‌های شرق آسیا عصای دست او و کلید رمزگشایی فوتبال ایران باشد. خوشبختانه نظر قطعی کرش در انتخاب او و رفع مشکل سربازباش که گمان می‌رفت حل‌نشدنی باشد و تمایل دژاگه برای بازی در تیم ملی کشور اصلی و پدری‌اش، همه موانعی را که زمانی برای بازی او در تیم ملی ایران برشمرده می‌شد برطرف کرده است تا او در بازی‌های برگشت با بحرین و اندونزی به میدان برود و در عمل به هماهنگی‌های لازم برسد. گرچه این تردید وجود دارد که دژاگه نتواند به سرعت خود را با بازی در فوتبال ایران تطبیق دهد، اما او در این حاشیه

امنیت وجود دارد که یارانش در تیم ملی با 2 برد 3 امتیازی نگرانی چندانی ندارند و به رغم آنچه از گذشته در خاطره‌ها باقی مانده است بحرینی‌ها نتوانند با کارشکنی‌هایی که رحمتی، دروازه‌بان تیم ملی از آنها یاد کرده است باز مانعی بر سر راه صعود ایران به مرحله دوم این دیدارها و جام جهانی پدید آورند.

## دلمشغولی‌های کرش

کارلوس کرش در آستانه در اختیار گرفتن اشکان دژاگه، دیگر دلمشغولی از دست دادن فرهاد مجیدی و سردرگمی مهاجمان دیگر را ندارد، اما هنوز غافل از نقطه ضعف‌های باقیمانده نیست. مربی واقع‌بین و تیزهوشی چون او حتما دریافت کرده است که در جریان بازی ارسال‌های بلند خسرو حیدری، به دلیل مهاجمان کوتاه قد تیم ملی و کندی و بی‌میلی انصاری‌فرد به سرزنی، بسیار هدر می‌رود و اگر دژاگه بتواند در تمرینات پاسخ مثبتی به ارسال‌ها بدهد، مشکل دیگری از پیش پای کرش برداشته می‌شود. دیده شد حتی مقابل بحرین که پس از اخراج یک بازیکن در آغاز بازی و گل اول تیم ایران به کلی در هم ریخت و روحیه‌اش را از دست داد، هیچ‌یک از ارسال‌های بلند حیدری کارساز نبود مگر 2 ارسال کوتاه و سریع او که یکی با بغل پای انصاری‌فرد گل شد و دیگری با ضربه سر شیرجه‌مانند غلامرضا رضایی به نتیجه رسید.

نکته: کرش به پیروزی‌های پرگل تیم ملی قانع نشده و بخوبی می‌داند شاگردانش به رغم بازی هجومی و حملات فراوان به سبب کمبود یک مهاجم تمام‌کننده و یک بازیکن شوتزن، بسیاری از فرصت‌ها را به آسانی از دست می‌دهد. براساس شنیده‌ها دژاگه از قدرت شوت‌های سنگین برخوردار است و این امتیاز دیگری است که او دارد، اما انتظار نمی‌رود کرش او را تشویق کند که در نقش یک هافبک نفوذی یا مهاجم کاذب ظاهر شود مگر آن که او را در عمل بیازماید و ارزش‌های او را در یکی از 2 پست خط حمله موثر تشخیص دهد. آنچه یقین است این که حضور علی کریمی و جباری در ترکیب ثابت تیم یا یکی از این دو با توجه به تکنیک خوب، روحیه همکاری و پاس‌های مثبت و طلایی که دارند، می‌تواند نعمتی باشد برای دژاگه که با جاگیری خوب و حضور در فضاهای خالی، هنر گلزنی‌اش را به نمایش بگذارد. اگر کرش در اردوهای کوتاه و زمان کمی که در اختیار دارد بتواند این هماهنگی‌های لازم را به وجود آورد به یقین تیم ایران با روحیه تهاجمی که دارد هیچ حریفی را از گل خوردن بی‌نصیب و بی‌هراس نمی‌گذارد.

ممکن است ضعف خط دفاع ایران در مقابل تیم‌هایی چون بحرین و اندونزی که ناچارند در برابر بازی تهاجمی و فشارهای بی‌وقفه تیم‌های برتر، به بازی تدافعی خو گرفته و لاجرم به سلاح خطا و خشونت مجهز شوند، چندان به چشم نیاید، اما در مقابل حریفان مدعی که برای سهمیه آسیا در جام جهانی برزیل دندان تیز کرده‌اند و علاوه بر انسجام تیمی، از سرعت خوبی هم برخوردارند. به طور مسلم فقط شیوه تهاجمی و پیوستن 2 مدافع کناری و پیش‌تاز و فاصله گرفتن و دور شدن تمامی هافبک‌ها از خط دفاعی چندان عاقلانه به نظر نمی‌رسد و کرش به همین دلایل باید پس از عبور از مرحله اول، شاگردانش در تیم ملی ایران را از این بی‌احتیاطی‌ها که تاکنون بارها چوب این سهل‌انگاری‌ها را خورده‌ایم، بر حذر دارد و تاکتیک مناسبی را برای تیم ایران برگزیند.

تیم ایران در شرایط کنونی و در حالت تهاجمی، در یک سوم زمین خود اغلب فضای باز و غیرقابل دفاع دارد. یک فضای خالی که هافبک‌های حریف را ترغیب می‌کند پشت قوس نیمدایره محوطه جریمه ظاهر شوند. علاوه بر امکان تهدید مستقیم با شوت‌های سنگین، قادر باشند با پاس‌های رو به جلو، تو در یا حرکت یک - دو، بهترین فرصت‌ها را نصیب مهاجمان خود کنند. 2 فضای دیگر در 2 سمت خط دفاع و در زمان‌هایی که مدافعان کناری و پیش‌تاز در نیمه زمین حریف باقی مانده‌اند در اختیار تیم مقابل قرار می‌گیرد. در این صورت خواه ناخواه زنجیره دیوار دفاعی از هم می‌گسلد و به میل و دلخواه حریف فضاهای دیگری برای تهدید جدی دروازه ایران باز می‌شود. اینها که گفته شد سواي اشتباهات دیگری است که حریفان جدی‌تر ما که توانایی‌شان را به لطف مهاجمان سریع و تخصص در ضدحمله خلاصه کرده‌اند و با آشنایی با این تاکتیک فریبنده و در زمان‌های مناسب که اغلب غیرقابل جبران می‌نماید، ضربه کاری را می‌زنند.

چنان که برمی‌آید و از 2 بازی مرحله اول دیدارهای انتخابی جام جهانی پیداست کرش با توجه به نتیجه مثبتی که در چند بازی دوستانه و رسمی گرفته است درون دروازه به سیدمهدی رحمتی اطمینان بیشتری دارد و در خط دفاع با آن که حسین ماهینی در آزمون تیم ملی نمره خوبی گرفته است و احسان حاج‌صفی تجربه کافی در سمت چپ دارد، اما 4 مرد دفاعی او را حیدری، عقیلی، حسینی و پولادی تشکیل می‌دهند. در میانه میدان تیموریان و نکونام براحتی جایگزینی ندارند و اگر علی کریمی بدرستی از بند آسیب‌دیدگی اخیر رها شده باشد، او نیز بدون جایگزین است، اما تغییرات پیاپی در مردان جلوزن و پیش‌تاز چنین می‌نماید که هنوز رضایت کامل از کار مهاجمان حاصل نشده است. در بین افراد موجود مجتبی جباری و محمدرضا خلعتبری جلوه بیشتری داشته‌اند و تکنیک بالایشان نمره قبولی به آنها می‌دهد. همکاری تیمی جباری و تلاش وافر و تحرک لازم در نزد خلعتبری، کرش را به آنها علاقه‌مندتر کرده است. حال اگر دژاگه در تیم آینده کرش جایی داشته باشد باید دید از بین حدادی‌فر، قاضی و غلامرضا رضایی کدام‌یک می‌توانند در تمرینات آینده، قبل از بازی با بحرین نظر کرش را برای آخرین پست بجا مانده جلب نمایند. شاید حدادی‌فر نفر یازدهم باشد!

چنانچه معقول مي‌نمايد تيم ملي فوتبال ايران در سفر به منامه و جاكرتا هيچ گزندي از سوي 2 تيم بحرين و اندونزي نمي‌بيند، اما كرش و كادر فني بايد علاوه بر تمرينات معمولي و فيزيكي براي بالابردن انسجام تيمي و پياده‌كردن تاكتيك مطلوب ناچارند آمادگي روحي بازيكنان را بخصوص براي مقابله با خشونت‌ها و خطاهاي آزاردهنده هر دو تيم بالا ببرند. اين آمادگي بايد چنان باشد كه در هيچ موردی به پرخاش و واكنش و پاسخگويي از سوي بازيكنان ايراني روبرو نشود. واضح است كه بحريني‌ها از شكست سنگين در ديدار رفت، بسيار خشمگين‌اند و علاوه بر بازي دوستانه‌اي كه براي آمادگي تاكتيكي پيش از بازي با ايران، مقابل كويت تدارك ديده‌اند از هر نوع عمل ايدايي در بازي با تيم ايران روگردان نيستند و حتي اگر لازم باشد بازيكنان ما را به درگيري فيزيكي هم مجبور مي‌كنند. اگر تيم ايران و يكايك بازيكنان به اين آمادگي ویژه مجهز نشوند و حتي در صورت مظلوميت به اين دام ناخواسته بيفتند، معلوم نيست بي‌گناهي ما را با کدام ترازو بسنجند و ماجرا را آن طور سياسي جلوه ندهند كه حكم محكوميت تيم ايران صادر نشود.

پرويز زاهدي / جام‌جم